**نام مقاله: تحصيل با اشك در داخل: ماجراي دانشجويان دكتري ايراني**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 26 \_ شماره دوم، جلد 7**

**پديدآور: عبدالرضا نوروزي چالكي**

**مترجم:**

 **چكيده**

**چندي است كه امكان تحصيل در مقطع دكتري كتابداري و اطلاع‌رساني، براي مشتاقان تحصيل در دانشگاه‌هاي دولتي ايران فراهم گرديده است. اما بررسي‌ها نشان از مشكلات و موانع بي‌شماري مي‌دهد كه به‌رغم تصور عمومي، تحصيل در داخل را براي آنان با دشواري‌هاي عديده‌اي روبرو ساخته است. عمده‌ترين اين مشكلات در قالب موانع آموزشي، فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي، اطلاعاتي، شخصي و خانوادگي جاي مي‌گيرند. اين مجموعه موانع از كنكور آغاز مي‌شوند و تا پايان دوره با آنان همراه‌اند. اين مقاله در نظر دارد ضمن بررسي عمده‌ترين چالش‌هاي موجود، ذهن جامعه علمي و حرفه‌اي را در خصوص رفع اين مشكلات به چاره‌انديشي وادار كند.**

**كليدواژه‌ها: تحصيل، ايران، دكتري، علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، موانع، دانشجويان**

**ضرورت طرح مسئله**

**«حقيقت‌پژوهي يا تحقيق يا مسامحتاً پژوهش، به معني تجسسي است منظم كه به تحريك واقعيت و در جهت نيل به حقيقت صورت مي‌پذيرد» (آريان‌پور، 1358، ص 10). در متون علمي مواردي همچون ضرورت توصيف واقعيتي خاص، نياز به توضيح دربارة علت وقوع پديده‌اي، نياز به يافتن راه‌حل براي مشكلي، و نياز به دانستن اين كه اگر اقدامي انجام نشود چه پيامدي خواهد داشت به عنوان مهم‌‌ترين انگيزه‌هاي اقدام به تحقيق معرفي شده‌اند (دياني، 1382، ص 2).**

**طرح مقاله‌اي توسط دانشجويي تايلندي در كنفرانس ايفلاي بانكوك در سال 1999، دربارة مشكلات تحصيلي دانشجويان مقطع دكتري در خارج از كشور، و همچنين سروكار مستقيم اينجانب با مشكلات دانشجويان دكتري ايراني شاغل به تحصيل در دانشگاه‌هاي داخل، مسائل فرهنگي مرتبط و موارد ديگري مانند آن، نگارندة اين سطور را بيش از پيش بر ضرورت طرح موضوع و جوانب آن واقف ساخت و وي را با انگيزه‌اي علمي و نگاهي نو به مسئله‌اي ديرين كه مدت‌ها است ذهن بسياري ديگر از مشتاقان تحصيل در داخل را نيز به خود معطوف داشته است رهنمون ساخت. همچنين از آنجا كه نگارنده، خود نيز هم‌اكنون در داخل كشور به تحصيل در اين مقطع اشتغال دارد و بنا به اعتقادي كه به ضرورت طرح اين مسئله پيدا كرده، خود را در خصوص بررسي و جلب‌توجه جامعة علمي به دلايل وجود اين‌گونه موانع و يافتن راه حل رفع اين مشكلات در جهت ارتقاي سطح آموزش اين مقطع مسئول مي‌داند و پيامدهاي كوتاهي در اقدام بموقع و برنامه‌ريزي صحيح را در اين راستا جبران‌ناپذير مي‌شمارد، بر اين اساس مقالة حاضر درنظر دارد از ابعاد مختلف به موشكافي مشكلات تحصيلي در مقطع دكتراي داخل اشاره كند و ذهن جامعة علمي را در اين خصوص روشن سازد.**

**«نونگيائو پرمكامولنتر»[3]، دانشجوي تايلندي مقطع دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني استراليا در مقاله خود با عنوان «تحقيق بدون اشك در خارج ازكشور: ماجراهاي يك خارجي»، براي نشان‌دادن ضرورت انجام تحقيق و تحصيل دانشجويان در خارج از كشور چهار دليل عمده را برشمرده كه عبارت‌اند از:**

**1. الزام در اخذ مدركي كه امكان دريافت آن در داخل كشور وجود ندارد؛**

**2. نبودن گروه‌هاي نمونة مناسب در كشور؛**

**3. يافتن يا قبول فرصت‌هايي براي انجام تحقيقات مشترك با همكاران خارجي، به عنوان بخشي از برنامه‌هاي همكاري بين دانشگاه‌هاي مادر؛**

**4. پاسخگويي به نيازهاي علمي و حرفه‌اي شخصي خود (پرمكامولنتر، 1380، ص 187).**

**در صورت تطبيق اين موارد با شرايط كنوني تحصيل در اين مقطع در كشور، ملاحظه خواهيم كرد كه هر چند دانشجويان شاغل به تحصيل در دورة دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني ايران به دليل داير بودن اين رشته در داخل، به تحصيل در خارج از كشور الزام ندارند، اما طبق برنامه‌هاي وزارت علوم، تحقيقات و فناوري ضروري است بسياري از نيازهاي تحصيلي خود، از جمله يافتن نمونة پژوهشي مناسب، انجام تحقيقات مشترك با همكاران خارجي، و پاسخگويي به نيازهاي علمي و حرفه‌اي شخصي خود را از طريق گذراندن بخشي از دورة تحصيلي خود در خارج از كشور مرتفع سازند.**

**همچنين وي براي نشان دادن ضرورت و دليل انجام تحقيقات توسط كتابداران به چهار مورد ديگر نيز اشاره مي‌كند. اين موارد عبارت‌اند از:**

**1. تغيير در نيازهاي شخصي؛**

**2. تغيير در نقش‌هاي اجتماعي (بويژه نقش‌هاي شغلي)؛**

**3. تغيير محيط، از جمله كار، محيط اجتماعي و محيط فيزيكي كه شامل نيازهاي متغير كاربران نيز مي‌باشد؛**

**4. تغيير مستمر كاربرد فناوري اطلاعات در فعاليت‌هاي كتابخانه (پرمكامولنتر، 1380، ص 187).**

**همچنين «پرمكامولنتر» مهم‌ترين مشكلات تحقيق و تحصيل محققان و دانشجويان در خارج از موطن خود را شامل موانع زباني، مشكلات علمي، مشكلات فرهنگي، محدوديت‌هاي مالي و مشكلات احساسي مي‌داند. وي در اين خصوص اظهار داشته كه موانع زباني، مشكلاتي را از نظر برقراري ارتباط با اساتيد، دانشجويان و مردم، محدوديت‌هاي مالي مسائلي را در امر معاش، و مشكلات احساسي نيز مشكلاتي را از نظر ايجاد دلتنگي براي وطن، احساس فراموش‌شدگي و مانند آن براي اين دانشجويان ايجاد مي‌كند. وي نهايتاً براي هر يك از اين موارد راه‌‌حل‌هايي ارائه مي‌دهد.**

**البته علاوه بر «پرمكامولنتر» محققان ديگري نيز به لزوم انجام تحقيقات مستمر توسط كتابداران اشاره داشته‌اند. در اين ميان «بوما» اظهار مي‌دارد از آن‌جا كه پژوهش عبارت است از راه منظمي براي دانستن دربارة خودمان، بنابراين كتابداران براي اين كه نسبت به آنچه در پيرامون كاربران بالفعل و بالقوة آنان روي مي‌دهد آگاه شوند، به تحقيق نياز دارند تا بتوانند از اين طريق خدمات خود را تغييرشكل دهند يا بهبود بخشند. همين‌طور، تحقيق در مورد خدمات جديدي كه كتابداران طراحي مي‌كنند نيز لازم است تا آنان مطمئن شوند كه خدمات جديد براي گروه‌هاي موردنظرشان درست انتخاب شده‌است. به‌اين‌ترتيب براي اين‌كه كتابداران بتوانند در حرفة خود پيشرو باشند، انجام تحقيقات مرتب اهميت زيادي دارد (Bouma, 1993: p.5).**

**اما نگارندة اين سطور با رويكردي ديگر به مسئله حاضر مي‌نگرد. وي با مشاهدة مستقيم بسياري از دشواري‌هاي تحصيلي دانشجويان مقطع دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني شاغل در دانشگاه‌هاي دولتي ايران، و همچنين ارتباط با بسياري از دانشجويان ايراني شاغل به تحصيل اين رشته در خارج از كشور، به‌گونه‌اي ديگر سعي در طرح مسئله و بررسي و مقايسه ابعاد اين مشكلات براي جامعة علمي كشور دارد.**

**چالش‌هاي تحصيل در داخل كشور**

**چندي است كه واژه «چالش» كه درواقع ترجمه‌اي از واژه انگليسي challenge مي‌باشد در فرهنگ عمومي و همچنين در علوم مختلف از مفهومي ظريف برخوردار گرديده است. در «فرهنگ ملك‌پور» براي كاربرد عمومي واژه «چالش» معادل‌هايي همچون «به مبارزه طلبيدن، ادعا كردن، اعتراض كردن، مبارزه‌طلبي و دعوت كردن به جنگ تن‌به‌تن» آورده شده است (لغت‌نامه ملك: انگليسي به فارسي، نسخه 2، 1380، ذيل "Challenge"). اين فرهنگ مفهوم چالش را در علم روانشناسي معادل «هماوردجويي»، در علم حقوق مترادف «مورد اعتراض يا ترديد قراردادن، اعتراض يا ايراد به اعضاي هيئت منصفة انتخاب شده»، و در علم فقه به معناي «اعتراض» مي‌داند. آنچه باعث شد تا در اين تحقيق نيز واژة مزبور براي بيان مفهوم به‌كار گرفته شود، ضرورت ذكر موانع موجود در اين راه و هماوردجويي و دعوت از جامعة علمي براي ارائة پيشنهاد در جهت رفع مشكلات مزبور مي‌باشد.**

**بر اين اساس در ادامه، اين موارد در چند بخش موانع آموزشي، موانع فرهنگي، موانع اقتصادي، موانع اجتماعي، موانع اطلاعاتي، موانع شخصي و خانوادگي از يكديگر تفكيك مي‌گردند و هريك در قالب‌هاي فرعي‌تري مورد توجه قرار مي‌گيرند.**

**موانع آموزشي**

**نحوة ورود به دانشگاه و خط‌مشي و قوانين و مقررات نظام آموزشي، از جمله عواملي هستند كه بر عملكرد، اثربخشي و فعاليت‌هاي علمي و تحصيلي هر دانشجوي مقطع دكتري تأثير مستقيم دارند. امروزه در برخي از كشورها دانشجو بدون هيچ مانعي وارد دانشگاه مي‌گردد و ارزيابي دقيق وي به فعاليت‌هاي علمي و آموزشي حين تحصيل او موكول مي‌شود. در مقابل، در پاره‌اي ديگر از كشورها علاوه بر ارزيابي‌هاي حين تحصيل، سعي مي‌شود تا با استفاده از معياري به نام كنكور، صلاحيت اولية داوطلبان واجد شرايط نيز مورد سنجش قرار گيرد. در اين‌گونه موارد و براي كاهش نارسايي‌هاي كنكور در شناسايي افراد واجدشرايط، معمولاً ابزار ديگري با عنوان مصاحبه نيز به كار گرفته مي‌شود. علاوه بر كنكور و مصاحبه، قواعد و مقررات آموزشي و روش‌هايي كه براي تحقيق در حين تحصيل و به منظور آشناكردن دانشجو با نظريات و ابعاد مختلف حرفه اتخاذ مي‌شود از جمله عوامل مؤثر در كاهش يا افزايش موانع آموزشي محسوب مي‌شوند.**

**1. كنكور: شايد بهتر باشد به جاي آن‌كه كنكور را به عنوان مانعي براي دانشجويان دكتري بدانيم، از آن به عنوان ابزاري كه پيش از آغاز تحصيل و به عنوان يك صافي و غربال، سعي در تشخيص داوطلبان واجدشرايط دارد نام ببريم. هرچند كنكور شامل مجموعه آزمون‌هاي كتبي و شفاهي است كه همواره در ايران با هدف سنجش ميزان معلومات، خلاقيت و تجربة داوطلبان و تشخيص واجدشرايط‌ترين آنان براي ادامه تحصيل برگزار شده است، اما از آنجا كه نتايج به‌دست آمده، مستقيماً متأثر از نحوة برگزاري و عملكرد آن بوده، از نظر دستيابي به نتايج واقعي، همواره نگراني خاطر جامعة علمي را به همراه داشته است.**

**مهم‌ترين مشكلات مربوط به كنكور را مي‌توان در موارد زير خلاصه كرد:**

**1ـ1. آزمون كتبي تشريحي: هرچند كه بازبودن سؤال‌هاي تشريحي، دريافت پاسخ‌هاي متنوع‌تر و گسترده‌تر را ممكن مي‌سازد، اما بحث‌برانگيزترين موردي كه همواره به ميزان فزاينده‌اي از مطلوبيت اين نوع سؤال‌ها كاسته است، اندازه‌پذير نبودن اين نوع پاسخ‌ها و نبود امكان تعيين چارچوبي واحد براي امتيازدهي يكسان به پاسخ‌ها مي‌باشد. بديهي است علاوه بر اين كه درك مشترك پاسخ‌دهنده و مصحح، تابعي از روابط معنايي و زبانشناختي است، هرقدر ميزان معلومات و تخصص مصحح در خصوص سؤال موردبررسي نيز بيشتر باشد، ميزان دقت و حساسيت او نسبت به پاسخ‌هاي ارائه‌شده افزايش خواهد يافت و اين بر نمره و امتياز هر فرد اثر مستقيم خواهد داشت. همچنين هرگاه فرآيند امتيازدهي به پاسخ‌ها توسط اساتيدي كه از معلومات و شرايط تخصصي متفاوت‌تري نسبت به ديگري برخوردارند صورت پذيرد، دامنة تغييرات بروز خطاها بازهم افزايش خواهد يافت. بر اين اساس اعتقاد بر اين است كه آزمون مزبور به تنهايي ابزار مناسبي در اين خصوص نيست. به همين دليل با ارائة راهكارهاي مختلفي از جمله تفويض مسئوليت تصحيح و امتيازدهي تمامي پاسخ‌هاي سؤال‌هايي مشخص به يك استاد، و همچنين با برگزاري مصاحبه، سعي مي‌شود تاحدامكان از ميزان اين نوع خطاها كاسته شود.**

**1ـ2. مصاحبه: يكي از راهبردهايي كه براي كاهش خطاهاي ناشي از ضعف‌هاي آزمون كتبي صورت مي‌پذيرد مصاحبه است. در مصاحبه سعي مي‌شود با ايجاد محيطي علمي و اجتماعي، و طرح مباحث و ارائة سؤال‌هاي متنوع، سطح مهارت و معلومات علمي، حرفه‌اي، تجربي، اجتماعي، كلامي، و همچنين ديدگاه داوطلب در خصوص حرفه، هدف از تحصيل، و مانند آن مورد شناسايي دقيق‌تر قرار گيرند و نحوة تحليل وي در خصوص مسائل مطرح‌شده مورد ارزيابي گروهي اساتيد داور قرار داده شود. از مهم‌ترين عوامل مؤثر براي كسب موفقيت در مصاحبه مي‌توان علاوه بر معلومات تخصصي از مواردي همچون سوابق علمي، پژوهشي و اجرايي گذشتة داوطلب، نقش و جايگاه حرفه‌اي و اجتماعي، مهارت‌هاي كلامي و رويكرد وي به تحصيل در اين مقطع نام برد.**

**بر اين اساس عواملي همچون كمبود نشريات تخصصي كه پيش‌تر به درج سريع و بموقع مقاله‌ها و آثار پژوهشي داوطلبان پرداخته باشند، و همچنين تعداد سمينارها و همايش‌هاي علمي و حرفه‌اي سالانه، و موارد ديگري از اين قبيل، و بطوركلي فراهم‌بودن زمينه‌هاي لازم در جامعه براي پرداختن متخصصان جوان به فعاليت‌هاي علمي و تخصصي، همگي از جمله مواردي هستندكه در تشخيص داوطلبان واجدشرايط توسط اساتيد داور، اثرگذار خواهند بود.**

**1ـ3. ناهمخواني سؤال‌هاي آزمون با آموزش‌هاي مقاطع قبلي داوطلب: هرچند انتظار مي‌رود سؤال‌هاي مطرح‌شده در خصوص بررسي ميزان معلومات و صلاحيت داوطلبان، تا حد زيادي بر آموخته‌هاي مقاطع قبلي آنان متكي باشد، اما روزآمد نبودن بسياري از مباحث آموزشي اين رشته در مقاطع كارشناسي و كارشناسي ارشد، و ضرورت تربيت افرادي كه از زمينه‌هاي لازم براي آشنايي با مرزهاي نوين دانش حرفه‌اي برخوردار باشند موجب مي‌گردد تا عملاً بسياري از سؤالات طرح‌شده در آزمون دكتري، نسبت به آموخته‌هاي گذشته متفاوت باشند و بر سطح معلومات كنوني و ميزان مطالعات جاري و مستمر داوطلب تكيه داشته باشند. از طرفي رشد روزافزون دامنة موضوعي حرفه، موجب گرديده در بسياري از موارد، داوطلبان به صورتي گذرا و تنها به منظور موفقيت در آزمون، وقت فراواني را به كسب اطلاعات موضوعي پراكنده اختصاص دهند و بناچار در بخش‌هايي از حوزه‌هاي موضوعي رشته كه در راستاي علائق شخصي و حرفه‌اي آن‌ها قرار ندارد دست به تلاش‌هاي مضاعفي بزنند.**

**2. ناهمخواني نظام آموزشي داخل با شرايط اجتماعي دانشجوي ايراني: نظام‌هاي آموزشي مقاطع دكتري در دانشگاه‌ها و مراكز آموزش عالي كشورهاي اروپايي عموما ًبر پژوهش[4] تكيه دارند. در اين روش، دانشجو از ابتداي تحصيل، موضوعي خاص را به عنوان موضوع رساله خود برمي‌گزيند و در طول تحصيل سعي در تكميل و اجراي آن دارد. بر اين اساس، انتظار مي‌رود كه در اين فرآيند، اطلاعات وي در آن حوزة موضوعي خاص از سطح قابل‌توجهي برخوردار گردد، اما در ساير حوزه‌هاي تخصصي حرفه چنين توقعي از او وجود ندارد. اين در حالي است كه در ايالات متحده و كانادا، تحصيل در اين مقطع با تكيه بر دو مقوله‌ -گذراندن واحدهاي درسي[5] و پژوهش- صورت مي‌پذيرد. در اين روش، دانشجو ضمن كار در حوزه‌هاي مختلف موضوعي و آشنايي با مباحث مطرح در حرفه، به‌تدريج به موضوعي خاص هدايت مي‌شود و نهايتاً در آن حوزة تخصصي خاص نيز از سطح قابل‌‌توجهي برخوردار مي‌گردد. از دانشجويي كه در اين نظام آموزشي به تحصيل مي‌پردازد انتظار مي‌رود كه در پايان دوره، ضمن احاطة نسبي به عمده‌ترين مباحث مطرح در حرفه، در موضوعي خاص كه همان موضوع رسالة او است نيز از عمق و دامنة اطلاعاتي قابل‌قبولي برخوردار شده باشد. به همين ترتيب در بسياري از دانشگاه‌هاي ديگر مناطق جهان نيز معمولاً يكي از اين دو نظام مورد پذيرش قرار گرفته و به اجرا درمي‌آيد. در ايران، وزارت علوم، تحقيقات و فناوري از ابتدا روش دوم را مبناي كار خود قرار داده است. شايد يكي از دلايل انتخاب اين نظام، نوپابودن بسياري از گروه‌هاي آموزشي اين رشته در كشور، و لزوم تربيت متخصصان و مدر‌ّساني است كه در شرايط كمبود نيروي انساني نيز به تنهايي قادر به عهده‌دار شدن حجم بالايي از كار باشند و توان تدريس و آموزش دروس مختلف يك گروه آموزشي، يا پژوهش در حوزه‌هاي متنوع موضوعي حرفه را داشته باشند. اين وزارتخانه با الهام از روش مزبور، تحصيل در مقطع دكتري تخصصي داخل را مبتني بر طي سه مرحلة زير دانسته است:**

**الف) گذراندن دروس مشخص و پژوهش همزمان در حوزه‌هاي موضوعي اين دروس به عنوان تكليف درسي؛ ب) امتحان جامع؛ ج) تدوين رسالة نهايي.**

**بر اين اساس دانشجو نه‌تنها بايد همزمان با گذراندن دروس تعيين‌شده و شركت در امتحانات پاياني هر نيمسال، به پژوهش‌هاي علمي و عملياتي كه گاه دامنة زماني آن به بيش از زمان تعيين‌شده در آيين‌نامه‌هاي آموزشي نيز كشانده مي‌شود بپردازد، بلكه ضروري است در مرحلة پاياني اين دوره نيز موضوعي مشخص را مورد مطالعه و بررسي مستقل و عميق قرار دهد و نهايتاً گزارش كاملي از اين تحقيق را با عنوان رسالة تحصيلي به دانشگاه ارائه دهد. البته شرط اخذ رساله و واردشدن به مرحله پژوهشي محض، موفقيت در امتحان جامع تعيين گرديده است. امتحان جامع عبارت از آزمون كتبي و شفاهي مستقلي است كه در آن معمولاً بخش اعظمي از آموخته‌هاي دانشجو در واحدهاي آموزشي طي‌شده، مورد ارزيابي مجدد قرار مي‌گيرد.**

**با اين توضيحات مي‌توان بر حجم كارهاي آموزشي و پژوهشي يك دانشجوي ايراني واقف گرديد. اين در حالي است كه همين دانشجويان دكتري داخل كه ظاهراً بر اساس نظام آموزشي غرب به تحصيل اشتغال دارند، با شرايطي كاملاً متفاوت با آنچه در غرب مي‌گذرد مواجه‌اند. هرچند كه در ادامة اين مقاله و در مباحث مربوط به موانع فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي، بسياري از مشكلات تحصيلي و معيشتي اين دانشجويان مطرح خواهد شد، اما آنچه را كه مي‌توان در اين‌جا و بطور خلاصه اذعان نمود تفاوت‌هاي فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي و آموزشي موجود بين ايران و كشورهاي بنيانگذار اين نظام‌هاي آموزشي است. براي اجراي بهينة نظام حاضر و استفاده از مزاياي آن، ضروري است كه براي دانشجويان ايراني نيز شرايطي مشابه با آنچه در كشورهاي باني اين نظام‌ها وجود دارد فراهم شود. بديهي است كه در غيراين‌صورت، دانشجو همواره با محدوديت‌هاي مختلفي دست به گريبان خواهد بود كه وي را از دستيابي به مهم‌ترين اصول موردانتظار از دانشجوي اين مقطع، كه همانا آگاهي از آخرين بنيان‌ها و نظريات ارائه‌شده در حرفه، مطالعه و بررسي نظريات، مسائل و چالش‌هاي حرفه‌اي موجود و همچنين تعيين مسئله‌اي درخور كه به رفع بخشي از مشكلات حرفه‌اي كشور بينجامد و به دانسته‌هاي او نيز عمق ببخشد دور خواهد داشت. در ايران، دانشجوي اين مقطع در حالي به گذراندن واحدهاي درسي مزبور مي‌پردازد كه در شرايط اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي، اطلاعاتي و خانوادگي بسيار متفاوتي نسبت به دانشجويان مشابه خود در كشورهاي تدوين‌كننده اين نظام‌هاي آموزشي قرار دارد. بنابراين همسونبودن شرايط نظام آموزشي حاضر با شرايط محيطي دانشجوي ايراني از جمله مهم‌ترين چالش‌هاي موجود به شمار مي‌رود كه يافتن راه‌حلي براي آن، همياري و همفكري گستردة جامعة علمي را مي‌طلبد.**

**3. مشكلات اداري ـ آموزشي دانشجو: مشكلات اداري ـ آموزشي دانشجويان شامل چهار عنوان زير است:**

**3ـ1. نياز سازمان بورس‌دهنده به خدمات حرفه‌اي دانشجو در حين تحصيل: از آنجا كه اين دانشجويان عمدتاً پيش از آغاز تحصيل، متصدي مشاغل علمي، آموزشي، و اجرايي مهمي در سازمان‌ها و موسسات مختلف بوده‌اند، با آغاز تحصيل نيز از بورس سازمان‌هاي مزبور استفاده مي‌كنند و به همين ترتيبب بخش عمده‌اي از نيازهاي حين تحصيل خود را مرتفع مي‌سازند. همچنين با توجه به اين‌كه سازمان‌هاي مزبور همواره دچار كمبود نيروي انساني متخصص هستند و در انتظار بازگشت اين متخصص در حال تحصيل خود مي‌باشند، دانشجويان مذكور به طور مداوم و به صورت مستقيم و غيرمستقيم به كار فراخوانده مي‌شوند و در حين تحصيل نيز براي بازگشت به كار و برعهده‌گرفتن بخش يا بخش‌هايي از مسئوليت‌هاي حرفه‌اي آن سازمان تحت فشار قرار مي‌گيرند. اين امر با توجه به حجم بالاي كارهاي آموزشي و پژوهشي حين تحصيل دانشجو، برايش يك چالش محسوب مي‌شود و وي را با مشكلات عديده‌اي مواجه مي‌سازد. اين در حالي است كه سازمان‌هاي مذكور به دليل عدم دسترسي به دانشجويان خارج از كشور، هيچ‌‌گونه انتظاري از آنان ندارند و در مقابل، همة انتظارات و فشارهاي خود را متوجه دانشجويان شاغل به تحصيل در داخل كه به سادگي نيز دسترس‌پذيرند مي‌نمايند. روشن است كه در كشورهاي غربي تدوين‌كنندة اين نظام‌هاي آموزشي، دانشجو در چنين شرايط و فشارهايي قرار ندارد و بيشترين وقت، فكر و انرژي خود را صرف طي‌كردن مراحل علمي و آموزشي خود مي‌كند و بر همين اساس، تا آخرين مرحله تحصيل هيچ نيازي به برقراري ارتباط با سازمان، مؤسسه يا دانشگاه محل خدمت خود نمي‌بيند.**

**3ـ2. اجبار دانشجو ازسوي دانشگاه محل تحصيل به تدريس مداوم واحدهاي درسي: با اين كه در بسياري از موارد وزارت علوم، تحقيقات و فناوري با صدور بخشنامه‌هايي سعي در كاهش مشكلات جانبي دانشجويان و هدايت آنان به سوي محيطي صرفاً تحصيلي داشته، ام‍ّا دانشگاه‌هاي محل تحصيل، عموماً بنا به دلايل آموزشي، مالي و مانند آن، دانشجويان را با سلسله‌اي از مسائل جانبي همچون بردوش‌گرفتن تدريس دروس تخصصي مقاطع مختلف مواجه مي‌سازند. اين دانشگاه‌ها بدون توجه به سوابق شغلي، مهارت‌ها و تجارب قبلي تدريس دانشجو، و همچنين آيندة شغلي و نوع مسئوليت بعدي وي، دليل آموزشي الزام به تدريس را صرفاً تقويت فنون و مهارت‌هاي تدريس و افزايش توان تجزيه و تحليل مسائل عنوان مي‌كنند و بر همين اساس نيز واحدي درسي با عنوان تدريس عملي را براي آنان درنظر مي‌گيرند. البته اين دانشگاه‌ها عملاً در بسياري از موارد تدريس دروسي بيش از واحد درسي تدريس عملي را نيز به اين دانشجويان احاله مي‌كنند و دانشجويان نيز بنا به اجبار يا به دليل فشارهاي آموزشي، تدريس اين دروس را تقبل مي‌نمايند. در موارد ديگري نيز مشاهده مي‌شود كه دانشگاه‌هاي محل تحصيل، دلايل مالي از جمله صرفه‌جويي در هزينه‌هاي دانشگاه و استفادة بهينه از دانشجويان دكتري در تدريس دروس تخصصي را از جمله دلايل الزام دانشجو به تدريس عنوان مي‌كنند. در اين خصوص شايد اين سخني گزاف نباشد كه اگر هزينه‌هاي مضاعفي كه حضور بيش از مدت تعيين‌شدة دانشجو بر اين دانشگاه‌ها تحميل مي‌كند مورد بررسي‌هاي دقيق علمي و آماري قرار گيرد، ضررهاي بيشتري به دانشگاه و نظام آموزش عالي را نشان خواهد داد. بر اين اساس تدريس واحدهاي درسي مذكور نه تنها توجيه مالي ندارد، بلكه ضررهاي مالي بيشتري را متوجه دانشگاه و نظام آموزش عالي كشور مي‌نمايد، دانشجويان را از وظايف اصلي خودكه همانا پرداختن به امور علمي و پژوهشي است دور مي‌كند و موجبات افزايش طول دورة تحصيلي آنان را فراهم مي‌سازد. البته اگر موارد ديگري همچون حضور بيش از ظرفيت دانشجويان اين كلاس‌ها را نيز بر مشكلات فوق بيفزاييم وضع بسيار بغرنج‌تر خواهد بود. به هر ترتيب چالش فوق موجب مي‌شود تا با وجود كمبود وقت و نياز به تلاش مضاعف براي طي‌كردن مطلوب برنامه‌هاي پژوهشي و آموزشي مقطع دكتري، بخش زيادي از اوقات اين دانشجويان صرف انجام كارهاي جنبي مربوط به تدريس واحدهاي درسي اضافي گردد. اين در حالي است كه نه تنها دانشجويان اين مقطع در خارج از كشور معمولاً با چنين اجباري روبرو نيستند و از آنان انتظار تدريس همزمان با تحصيل، آن هم در دانشگاه محل تحصيل نمي‌رود، بلكه در بسياري از موارد انجام اين كار برخلاف ضوابط و معيارهاي آموزشي نيز محسوب مي‌شود.**

**3ـ3. عدم دسترسي بموقع به اساتيد: در سال‌هاي اخير و با تغيير سياست‌هاي وزارت علوم، تحقيقات و فناوري در جذب تعداد بيشتري دانشجو براي مقاطع كارشناسي و كارشناسي ارشد، تعداد دانشجويان اين مقاطع افزايش قابل توجهي يافته. اين در حالي است كه نه‌تنها متناسب با اين افزايش، بر تعداد اساتيد و امكانات موردنياز دانشگاه‌ها افزوده نشده، بلكه در مواردي به دليل بازنشستگي، تعداد اساتيد كاهش يافته است. بر اين اساس، اساتيد اين دانشگاه‌ها ناچار به تقبل تعداد زيادي واحد درسي و در مواردي نيز پذيرش حجم بالايي از كارهاي اجرايي و اداري مي‌گردند. اين امور موجب مي‌شوند تا اساتيد مذكور كه به طور همزمان، تدريس دروسي در مقاطع و دوره‌هاي مختلف را برعهده دارند، آن‌طور كه بايد قادر به صرف وقت براي تدريس در مقطع دكتري و برقراري ارتباط با دانشجويان اين مقطع نباشند و آنان را از راهنمايي‌هاي خود بي‌نصيب سازند. اين خلل در برقراري ارتباط بين اساتيد راهنما و دانشجويان موجب مي‌شود كه بسياري از امور تحصيلي آنان از جمله بررسي علمي كارهاي پژوهشي جاري، تعيين موضوعات پژوهشي، رفع ابهامات آموزشي و تحقيقاتي، و به‌طور‌كلي پيشبرد امور علمي و آموزشي دانشجويان با عمق، سرعت و حتي دقت كمتري صورت پذيرد. اين درحالي است كه دانشجويان اين مقطع بيش از مقاطع قبلي به ارتباط با اساتيد راهنمايشان نياز دارند. البته اگر بخواهيم مشكلات ديگري از جمله نياز دانشگاه‌ها و مؤسسات و سازمان‌هاي مختلف به خدمات علمي و آموزشي اساتيد مزبور و درنتيجه تدريس يا كار اجرايي آن‌ها در اين دانشگاه‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها را نيز بر موارد فوق بيفزاييم، ملاحظه خواهيم كرد كه دانشجويان مزبور در اين خصوص با چالش‌هاي بيشتري مواجه‌اند.**

**3ـ4. ناهماهنگي برنامه‌ها و آيين‌نامه‌هاي دانشگاه با تحصيل در دورة دكتري: از آنجا كه دانشجويان اين مقطع در طول تحصيل با حجم بسيار بالايي از فعاليت‌هاي آموزشي و پژوهشي مواجه‌اند، شايسته است كه دانشگاه‌ها در اين راستا به شناسايي نيازمندي‌هاي آموزشي آن‌ها بپردازد و علاوه بر تأمين امكانات لازم، قوانين و مقر‌ّرات خود را نيز در راستاي غني‌ترساختن وقت و مطالعات آن‌ها جهت دهند. از اين نظر بسياري از دانشگاه‌هاي اروپا و آمريكا از بدو ورود دانشجويان به دانشگاه، امكانات لازم از قبيل اتاق كار، رايانه، چاپگر، دستگاه فتوكپي، امكانات رفاهي و حتي تلفن همراه و مانند آن را به صورتي نظام‌يافته در اختيار او قرار مي‌دهند و وي را از قوانين و مقررات داخلي باخبر مي‌كنند تا اين دانشجويان با كمترين تأخيري در اين راستا مواجه نباشند. اين در حالي است كه تاكنون اين روند در دانشگاه‌هاي ايران از نظم كافي برخوردار نبوده است. دانشجويان اين مقطع پس از گذشتن از سد كنكور و ورود به دانشگاه، تا مدت‌ها در هاله‌اي از ابهام قرار دارند و شخصاً ناچارند كه به پيگيري امور آموزشي مربوط به ثبت‌نام، تهية خوابگاه، اتاق كار، امكانات تكثير، رايانه، چاپگر، و مانند آن‌ها بپردازند؛ در بسياري از موارد حتي ماه‌ها پس از ورود به دانشگاه نيز با چنين دشواري‌هايي دست به گريبان‌اند و به جاي تمركز بر امور علمي و آموزشي، بخش زيادي از نيرو و انرژي خود را صرف كارهاي لازم و ضروري اما فاقد ارزش علمي و آموزشي مي‌كنند. علاوه بر اين، براي حل پاره‌اي ديگر از مشكلات، تا ماه‌ها بعد سعي در توجيه دانشگاه و رهاشدن از بندها و آيين‌نامه‌هاي دست‌ و پاگير و محدودكنندة آموزشي دارند ـ قوانين و مقرراتي كه امروزه در اكثر دانشگاه‌هاي خارج از كشور وجود ندارند و ذهن و انرژي دانشجويان شاغل به تحصيل در اين دانشگاه‌ها را به خود مشغول نمي‌دارند. به عنوان مثال در ايران امكان ورود و خروج به دانشگاه، تنها تاساعاتي از روز كه كلاس‌هاي آموزشي مقاطع مختلف داير است براي دانشجويان دكتري وجود دارد و حضور پس از آن، به كسب مجوز از مقامات اداري دانشگاه كه خود سير اداري طولاني را طلب مي‌كند نياز دارد. به عنوان مثالي ديگر مي‌توان از نحوة فعاليت بخش‌هاي رفاهي دانشگاه در طول سال نام برد. فعاليت اين بخش‌ها تابع حضور دانشجويان مقاطع كارشناسي و در مواقعي نيز كارشناسي ارشد مي‌باشد و در بين دو نيمسال، ماه‌هاي تابستان و برخي از ايام سال كه دانشجويان اين دو مقطع در دانشگاه حضور ندارند معلق و حتي تعطيل است. اين در حالي است كه دانشجويان مقطع دكتري به دليل در دست داشتن امور پژوهشي مختلف، نياز به حضور مستمر در دانشگاه و استفاده از امكانات موجود دارند و تعطيلي بخش‌هاي مختلف دانشگاه حضور آنان را براي انجام امور مربوطه با اختلال مواجه مي‌سازد.**

**اين موارد و مسائل ديگري از اين قبيل بتدريج اين تصور را به ذهن متبادر مي‌سازند كه جذب دانشجويان مقطع دكتري در كشور، با مطالعه، بررسي، نيازسنجي، و درنظرگرفتن شرايط تحصيل در اين دوره‌ها توأم نبوده و به همين دليل نيز آيين‌نامه‌ها و قوانين و مقر‌ّرات قبلي دانشگاه‌ها كه عموماً متناسب با شرايط دانشجويان كارشناسي و كارشناسي ارشد تدوين يافته بود، متناسب با شرايط جديد مورد بازنگري، اصلاح و بهينه‌سازي قرار نگرفته است.**

**موانع فرهنگي**

**علاوه بر موانع آموزشي، موانع فرهنگي نيز از جمله عوامل بازدارنده و چالش‌زا در اين خصوص محسوب مي‌شوند. اين موانع علاوه بر اين كه بر انگيزه‌هاي دانشجويان تأثير مستقيم دارند، در بسياري از موارد آنان را با مشكلات مختلف محيطي و ارتباطي مواجه مي‌سازند.**

**از جمله مهم‌ترين موانع فرهنگي مي‌توان به موارد زير اشاره كرد:**

**1. اعتقاد بي‌چون و چرا به برتري علمي فارغ‌التحصيلان خارج از كشور و بي‌اعتمادي علمي به دانشجويان دكتري داخل: با اين‌كه در بسياري از محافل، تأثير محيط تحصيلي بر ارتقاي كيفيت آموزشي دانشجو ناچيز دانسته مي‌شود، اما در عمل اعتقاد به چنين تأثيري در گفتار و عملكرد عموم و حتي متخصصان و اساتيد ديده مي‌شود. البته نبايد اين واقعيت را نيز از نظر دور داشت كه در بسياري از دانشگاه‌هاي ايالات متحده، كانادا و حتي اروپا، نظام آموزشي و ساير شرايط به‌گونه‌اي فراهم گرديده كه دانشجو بتواند به بهترين نحو در مسير دستيابي به اهداف علمي خود گام بردارد، اما اين به‌تنهايي نمي‌تواند به عنوان دليلي براي پذيرش بي‌چون و چراي اين اصل كه هميشه تحصيل در خارج از كشور معلومات بيشتري را در اختيار دانشجو قرار خواهد داد قلمداد شود، زيرا عوامل تعيين‌كنندة ديگري همچون ويژگي‌هاي شخصي دانشجو، كيفيت و نظام آموزشي دانشگاه، كيفيت اساتيد، ميزان و نحوة دسترسي به اطلاعات و موارد ديگري از اين قبيل در اين خصوص دخيل شمرده مي‌شوند. اين در حالي است كه چه بسا در بسياري از موارد فعاليت‌هاي پژوهشي و موضوع رسالة دانشجويان داخل بسيار گسترده‌تر و روزآمدتر، و از غناي بالاتري نيز برخوردار باشند.**

**2. رويارويي مستقيم با مشكلات داخلي و همسونمودن موضوع‌هاي پژوهشي حين تحصيل در جهت رفع آن: از آنجا كه دانشجويان دكتري شاغل به تحصيل در دانشگاه‌هاي داخل كشور، بطور مستقيم با بسياري از مشكلات و مسائل موجود داخلي مواجه هستند، مباحث موردبررسي آنان نيز تحت‌تأثير همين عوامل داخلي قرار مي‌گيرد. بر اين اساس بخش زيادي از فعاليت‌هاي علمي و آموزشي آنان به جاي پرداختن به موضوع‌هاي روزآمدتر و بنيادي‌تر، به اين سمت هدايت مي‌شود و حل معضلات داخلي و محلي را مدنظر قرار مي‌دهد. اين در حالي است كه دانشجويان ايراني شاغل در خارج از كشور، به دليل دوربودن از جو داخلي كشور خود، تحت تأثير فشارهاي فرهنگي موجود قرار ندارند و امكان پرداختن به مسائل علمي محض، بدون توجه به مسائل كشور را خواهند يافت. اين چالش عمدتاً باعث مي‌شود تا موضوع مطالعات دانشجويان داخل با تكيه بر رفع مشكلات داخلي، و موضوع تحقيقات دانشجويان شاغل در خارج عمدتاً بدون توجه به مسائل ايران و تنها با تكيه بر مسائل علمي نوين صورت پذيرد. اما با اين كه براي رفع مشكلات كشور، طرح چنين موضوعاتي ضروري است، در عمل مباحث مذكور به دليل توجه به مسائل داخلي، از جذابيت كمتري براي جامعه برخوردارند و معمولاً كمتر مورد استقبال آنان قرار مي‌گيرند و در مقابل، موضوع‌هاي مطرح‌شده در خارج از كشور كه ممكن است در راستاي نيازهاي جامعه نيز نباشند بيشتر مورد توجه قرار مي‌گيرند.**

**موانع اقتصادي**

**مشكلات اقتصادي در بسياري از امور، بويژه در تحصيل دانشجويان دكتري نيز مانعي اساسي به‌شمار مي‌روند. اين موانع بخش‌‌اعظمي از وقت و نيروي دانشجو را مصروف خود مي‌كنند و او را از حركت به سوي امور علمي بازمي‌دارند. كمك‌هاي مالي ناچيز وزارت علوم، تحقيقات و فناوري و هزينه‌هاي سنگين گذران زندگي و تحقيقات باعث مي‌شود تا بر فشارهاي وارده به دانشجو نيز افزوده گردد. نبود امكانات رفاهي مناسب براي اسكان دانشجو در طول تحصيل و مواردي مانند آن، دانشجو را با مشكلات عديدة اقتصادي مواجه مي‌كند و در بسياري از موارد وي را ناچار به كار همزمان با تحصيل، يا همكاري در اجراي طرح‌هاي پژوهشي مي‌گرداند. البته اگر بخواهيم هزينه‌هايي را كه دانشجو به دليل نبود امكانات كافي در دانشگاه (نظير خريد رايانه و مانند آن) شخصاً تقبل مي‌كند نيز به موارد فوق بيفزاييم، وضع بسيار بغرنج‌تر خواهد شد.**

**موانع اجتماعي**

**موانع اجتماعي تحصيلي شامل آن‌دسته از موانعي هستند كه دانشجو تحت فشارهاي اجتماعي با آن‌ها مواجه مي‌شود. اين موانع نيز بخش قابل‌ملاحظه‌اي از نيرو و انرژي وي را به خود مصروف مي‌دارند و امور آموزشي و پژوهشي او را تحت تأثير خود قرار مي‌دهند.**

**از جمله مهم‌ترين موانع اجتماعي مي‌توان به موارد زير اشاره كرد:**

**1. توقعات جامعه علمي درخصوص ارائه مقاله در سمينارها و همايش‌هاي تخصصي: با توجه به اين كه شركت در همايش‌ها و سمينارهاي علمي، فعاليت علمي و حركتي مثبت تلقي مي‌شود، حضورنيافتن در اين همايش‌ها نيز عاملي منفي در عملكرد علمي فرد محسوب خواهد شد. بر اين اساس حضور دانشجويان دكتري داخل در سمينارها و همايش‌هاي علمي داخلي يك ضرورت به‌ شمار مي‌رود و غيبت اين دانشجويان ‌ـ كه به ظاهر نيز مشكلي براي ارائة مقاله و حضور در اين سمينارها ندارند‌ـ در اين محافل، بتدريج بر نگرش جامعة علمي و حتي اساتيد، اثرگذار خواهد بود. پس اين دانشجويان در بسياري از موارد ناچارند بارها، انجام فعاليت‌هاي پژوهشي دردست اقدام خود را متوقف سازند و به تهية مقاله‌هايي براي اين‌گونه سمينارها بپردازند. علاوه بر اين، در مواردي ديگر نيز درخواست‌هاي مستقيمي براي برگزاري سخنراني‌هاي علمي، و كارگاه‌هاي آموزشي در موضوعاتي خاص مطرح مي‌گردد كه پاسخ منفي به اين درخواست‌ها نيز نتايج اجتماعي مثبتي را درپي نخواهد داشت. اين روند باعث مي‌شود تا دانشجو در هر نيمسال، براي همگام شدن با فعاليت‌هاي علمي‌ ـ اجتماعي حرفه و تهية مقاله‌هاي علمي، فعاليت‌هاي پژوهشي دردست اقدام خود را متوقف سازد و دست به اجراي چندين پژوهش مستقل ديگر بزند.**

**2. موانع زباني: هرچند كه اين مانع براي دانشجويان شاغل به تحصيل درخارج از كشور يكي از جدي‌ترين موانع محسوب مي‌شود، اما براي دانشجويان دكتري داخل نيز در طول تحصيل همواره مشكلاتي را ايجاد مي‌كند و عاملي بازدارنده به شمار مي‌رود.**

**مهم‌ترين اين موارد عبارتند از:**

**2ـ1. ضرورت برقراري ارتباط علمي با صاحب‌نظران حوزه‌هاي مختلف تخصصي درخارج از كشور: امروزه با وجود اينترنت و شبكه‌هاي ارتباطي، برقراري ارتباط با اساتيد مختلف جزئي از امور روزمرة عموم متخصصان، بويژه دانشجويان مقطع دكتري به شمار مي‌آيد. اين ارتباطات عمدتاً در زمينة كسب آگاهي از آخرين تحولات صورت‌گرفته در رشته، مشاوره در امور علمي، درخواست مقاله، و همكاري‌هاي علمي ديگر صورت مي‌پذيرد. امروزه تأثير شبكه‌هاي ارتباطي بر فعاليت‌هاي علمي به حدي است كه اهميت قبلي محل تحصيل و حتي مدرك تحصيلي را كاهش داده و اعتبار علمي متخصصان را به تابعي از اطلاعاتي بدل كرده كه عموماً با استفاده از همين شبكه‌هاي ارتباطي تأمين مي‌شود. روشن است كه شرط اصلي استفاده از امكانات شبكه‌هاي ارتباطي و برقراري ارتباط با اين صاحب‌نظران خارجي، تسلط بر زبان انگليسي مي‌باشد و ضعف در اين امر، مانعي اساسي به شمار مي‌رود كه بر كل فرآيند آموزشي و پژوهشي دانشجو نيز اثر خواهد گذاشت.**

**2ـ2. ضرورت طي فرصت تحصيلي چندماهه در خارج از كشور: هرچند كه دانشجويان دكتري داخل، بخش اعظمي از دورة تحصيلي خود را در داخل كشور سپري مي‌كنند، اما بنا به ضرورت و بر اساس سياست‌هاي وزات علوم، تحقيقات و فناوري، در راستاي تدوين رساله و براي مشاهدة نتايج تحقيقات ديگران و كسب اطلاعات و تجارب علمي و عملي بيشتر، بخشي از اين دوره را كه معمولاً از شش ماه تا يك سال به طول مي‌انجامد در خارج از كشور و زيرنظر اساتيد خارجي طي مي‌كنند. روشن است كه مانع زباني كه در اين دوره براي دانشجويان وجود خواهد داشت كاملاً مشابه موانع زباني دانشجويان ايراني شاغل به تحصيل در خارج از كشور خواهد بود، با اين تفاوت كه دانشجويان داخل به دليل داشتن زمان محدود، از فرصت‌هاي كمتري نيز براي رفع مانع مزبور برخوردارند. اين در حالي است كه دانشجويان دكتري خارج، در ماه‌هاي اولية ورود خود به آن كشور اقدامات گسترده‌تري را براي رفع اين مشكل به عمل مي‌آورند. به‌اين‌ترتيب مانع زباني براي دانشجويان يك چالش محسوب مي‌شود و آنان براي رفع اين مشكل بايد چشم‌ها، گوش‌ها و ذهن خود را به روي زبان جديد باز كنند. براي تطابق با شرايط جديد، بايد وقت خود را نه فقط براي مطالعه، بلكه براي انجام ساير فعاليت‌ها مانند تماشاي تلويزيون، رفتن به سينما، و شركت در فعاليت‌هاي اجتماعي نيز منظم كنند. به اين دانشجويان توصيه مي‌شود كه صرف‌نظر از داشتن نمرة بالا در آزمون زبان انگليسي، گذراندن يك ترم دوره انگليسي در اوائل ورود به كشور بيگانه را دنبال كنند. چنين دوره‌هايي نه تنها زبان را در اختيار دانشجويان قرار مي‌دهد، بلكه دروازه‌اي به فرهنگ جديد براي آنان مي‌گشايد و به آنان فرصت مي‌دهد كه خود را با كشور جديد تطبيق دهند. موانع زباني در برقراري ارتباط دانشجويان با همكاران پژوهشي و اساتيد راهنماي خارجي‌ آن‌ها كه در بسياري از موارد ناچارند هفته‌اي يك‌بار با يكديگر ملاقات كنند نيز مشكلاتي را ايجاد مي‌كند (پرمكامولنتر، 1380:ص. 189ـ188).**

**2ـ3. كمبود متون تخصصي به زبان فارسي و نياز به استفاده از متون به زبان انگليسي: كمبود متون تخصصي مناسب در زبان فارسي موجب مي‌شود منابع اصلي تدريس و تحقيق در مقطع دكتري از زبان‌هاي ديگر انتخاب شوند. در اين بين تسلط دانشجو به زبان انگليسي و توان درك و تجزيه و تحليل مطالب از مسائل عمده‌اي به‌شمار مي‌روند كه بر كيفيت آموزشي و پژوهشي وي اثرگذار خواهند بود. بنابراين با وجود تحصيل اين دانشجويان در داخل كشور، به‌دليل كمبود منابع تخصصي زبان فارسي، آنان همواره به زبان انگليسي وابسته‌اند و مانع زباني همچنان براي آنان وجود دارد. از اين‌رو تقويت زبان انگليسي از جمله برنامه‌هايي است كه دانشجوي دكتري داخل بايد بطور مداوم به آن اقدام كند.**

**2ـ4. كسب حدنصاب لازم در آزمو‌ن‌هاي رسمي زبان: كسب حدنصاب لازم در آزمون زبان انگليسي همانند IELTS,TOLIMO,MCHE و مانند آن براي دانشجويان دكتري داخل، پيش‌شرط شركت در امتحانات جامع محسوب مي‌شود. اين دانشجويان نيز همچون دانشجويان ايراني خارج از كشور، ناچار به شركت در آزمون‌هاي مذكور و كسب نمرة لازم در يكي از آن‌ها مي‌باشند. پيدا است كه قرارداشتن دانشجويان داخل در محيط فارسي زبان و نيز همخوان نبودن آموزش‌هاي زبان انگليسي ارائه‌شده در دانشگاه‌هاي داخل با شرايط اين آزمون‌ها، بر نحوة پاسخگويي آنان به سؤال‌ها اثرگذار است و از اين جهت براي اين دانشجويان مانعي جدي ايجاد مي‌كند.**

**3. نبود فرصت كافي براي تأليف متون علمي و فاصله‌گرفتن از بازار نشر كتاب: هرچند كه به دليل فشارهاي اجتماعي داخلي براي شركت در كنفرانس‌ها و همايش‌ها، معمولاً تعداد مقالات دانشجويان دكتري به حد قابل‌قبولي مي‌رسد، اما به علت محدويت‌هاي زماني مختلف، آنان از فرصت‌هاي لازم براي اين‌كه به صورتي مفصل و گسترده به موضوعات تخصصي موردنظر بپردازند برخوردار نيستند. بر اين اساس در عين‌حالي كه اين دانشجويان داراي صلاحيت و توانايي‌هاي لازم براي تأليف هستند، تعداد تأليفات آنان اندك است و اكثر آثار كتابي منتشرشدة آنان نيز ترجمة آثاري مي‌باشد كه در حين تحصيل و در برخي از دروس مورد مطالعه، ترجمه شده و مورد استفادة آنان قرار گرفته است. درنتيجه تأليفات كمتري از آنان در بازار نشر ديده مي‌شود، و شايد اين يكي از دلايلي باشد كه در برخي از دوره‌هاي زماني، بسياري از كتاب‌هاي عرضه‌شدة بازار نشر شامل كتاب‌هايي با موضوعاتي زودگذر است كه بدون رقيب و توسط افرادي جوان‌تر به طبع رسيده و در برخي موارد مورد استقبال نيز قرار گرفته است.**

**موانع اطلاعاتي**

**عمده‌ترين موانع اطلاعاتي آزاردهنده عبارت‌اند از پايين‌بودن سرعت شبكه، نداشتن كارت‌ها و امكانات اعتباري براي پرداخت هزينه‌هاي مقالات، و در برخي از موارد نيز كمبود دسترسي به پايگاه‌هاي اطلاعاتي موردنياز. هرچند كه در بسياري از موارد، موانع اطلاعاتي مشكلات جدي براي اين دانشجويان ايجاد نمي‌كنند، اما از آنجا كه آنان با صرف وقت و هزينة بيشتر و گاهي نيز با واسطه و از طريق منابع ديگر ناچار به فراهم‌آوري اطلاعات موردنياز مي‌گردند، در اين گونه موارد و به كرات بخش زيادي از وقت، نيرو و انرژي خود را در اين راه از دست مي‌دهند.**

**موانع شخصي و خانوادگي**

**اين نوع مشكلات چالش‌هاي عظيمي را موجب مي‌شوند و بر كيفيت و كميت تحصيلات دانشجو اثر مي‌گذارند. براي دانشجويان شاغل به تحصيل در خارج، اين مسائل به گونه‌اي ديگر مطرح است و مي‌تواند شامل مسائل احساسي خود شخص مانند دلتنگي براي وطن، احساس فراموش‌شدگي، از دست دادن احساس قبلي شخصيت و تعلق، از دست دادن انگيزه، دلسردي عمومي و فشار عاطفي باشد. همچنين، اين مسائل براي آنان مي‌تواند ناشي از مشكلات احساسي مربوط به ديگر افراد ـ مانند خانواده، استاد راهنما و دوستان ـ باشد. معمولاً در اين‌گونه موارد به آنان پيشنهاد مي‌شود بيشتر در فعاليت‌هاي اجتماعي شركت كنند، به تعطيلات بروند، يا كاري انجام دهند كه با آنچه عموماً انجام مي‌دادند متفاوت باشد (پرمكامولنتر، 1380: ص. 196ـ195). اما اين مشكل براي دانشجويان دكتري داخل به گونه‌اي ديگر مطرح است. آنان به دليل حضور در داخل كشور از مشكلات احساسي فوق رنج نمي‌برند، اما در مقابل، مداوماً در معرض انتظارات عادي و طبيعي كه ممكن است از سوي خانواده، نزديكان، يا دوستان مطرح شود قرار دارند. فرهنگ خاص ايراني، روابط انساني شرقي و انتظارات طبيعي و به ظاهر معقول درخصوص برقراري ارتباط، دانشجو را در شرايطي قرار مي‌دهد كه ناچار است در حين پرداختن به امور آموزشي، پژوهشي و مانند آن، و با وجود كمبود وقت، در جهت جلب رضايت خاطر اطرافيان نيز گام بردارد و روابط عادي و طبيعي خود را در زمان دانشجويي نيز حفظ كند. در عين حال در بسياري از موارد نيز مشكلات حين تحصيل، عملاً دانشجو را از برقراري ارتباط و معاشرت صحيح با نزديكان بازمي‌دارد، كه اين امر مشكلات و چالش‌هاي ديگري را از اين نظر براي او فراهم مي‌سازد. اين در حالي است كه دانشجويان ايراني خارج از كشور، به دليل دوربودن از وطن، نزديكان و دوستان، در معرض اين‌گونه انتظارات و توقعات جامعة بومي خود قرار ندارند.**

**نتيجه‌گيري**

**چندي است كه امكان تحصيل در مقطع دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، براي مشتاقان تحصيل در دانشگاه‌هاي دولتي ايران فراهم گرديده است. هرچند كه تا زمان نگارش اين سطور (اسفندماه 1382) هيچ‌يك از دانشجويان شاغل به تحصيل در اين دانشگاه‌ها تحصيلات خود را به پايان نرسانده‌اند، اما بررسي‌هاي مستقيم نگارنده نشان از مشكلات و موانع بي‌شماري مي‌دهد كه به‌رغم تصور عمومي، تحصيل در داخل را براي آنان با دشواري‌هاي عديده‌اي روبرو ساخته است. عمده‌ترين اين مشكلات در قالب موانع آموزشي، فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي، اطلاعاتي، شخصي و خانوادگي جاي مي‌گيرند. اين مجموعه موانع از كنكور آغاز مي‌شود و تا پايان دوره با آنان همراه‌اند. بررسي‌ها نشان مي‌دهند كه دانشجوي دكتري داخل با مشكلاتي كه در نوع خود تازه مي‌نمايد روبرواست. اين مسائل بخش اعظمي از فكر، وقت و نيروي او را به خود مصروف مي‌دارند و وي را در حركت به سوي اهداف اصلي خود با مشكلات عديده‌اي مواجه مي‌سازند. اين در حالي است كه به دليل نوبودن تجربة برگزاري اين مقطع در كشور، هنوز جامعة علمي، اساتيد، دست‌اندركاران و برنامه‌ريزان اين دوره‌ها، بر بسياري از مشكلات حاضر واقف نگرديده‌اند و به همين دليل نيز تحصيل در داخل كشور را بسيار ساده مي‌انگارند. اما با وجود موانع فوق، دانشجوي ايراني براي كسب موفقيت بايد سخت كار كند، تعهدي قوي داشته باشد و از فرصت‌ها استفاده كند. اين كار، ساده نيست، زيرا او بايد به تنهايي و بدون حمايت‌هاي جدي هيچ نهاد و سازماني، توأماً چندين مانع را از سر راه بردارد. با وجود اين، مادام كه از اين مشكلات آگاه باشد و آمادگي مقابله با آن را در خود ايجاد كند، مي‌تواند بر اين چالش‌ها غالب شود. در صورت غلبه بر اين چالش‌ها، نه‌تنها تحصيل در داخل مي‌تواند مداركي را كه دانشجويان در آرزوي آن هستند برايشان به ارمغان بياورد، بلكه مي‌تواند موجبات انجام تحقيقاتي را كه رفع مشكلات حرفه‌اي داخلي را در نظر دارد فراهم سازد و بتدريج موجبات ارتقاي نقش، جايگاه و اعتبار حرفه را در داخل كشور فراهم آورد. مواجهه با مشكلات حاضر نيز مي‌تواند كمك كند تا اين دانشجويان به اشخاصي صبور، منعطف و با ديدي باز مبدل شوند.**

**منابع**

**آريان‌پور، اميرحسين. پژوهش. ويرايش 3، تهران: اميركبير، 1378.**

**دياني، محمدحسين. گلوگاه‌هاي پژوهش در علوم اجتماعي، مشهد: كتابخانه‌ رايانه‌اي، 1382.**

**پرمكامولنتر، نونگيائو. «تحقيق بدون اشك در خارج از كشور: ماجراهاي يك خارجي»، در گزيده‌ مقالات ايفلا 99 (بانكوك: 28ـ20 اوت 1999)، تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران، 1380.**

**لغت‌نامه ملك: انگليسي به فارسي، نسخة 2، تهران: شركت ملك سافت، 1380. ذيل: "challenge" [ديسك فشرده]**

**Bouma, G.D. The Research process. Rev. ed. Oxford: Oxford**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. دراين‌جا منظور نگارنده، دانشجويان دكتري تخصصي (PhD) علوم كتابداري و اطلاع‌رساني شاغل به تحصيل در دانشگاه‌هاي دولتي ايران مي‌باشد.**

**2. عضو هيئت علمي دانشگاه شاهد و دانشجوي دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي**

**noroozi\_reza@yahoo.com و noroozi@ferdowsi.um.ac.ir**

**[3] . Nongyao Premkamolnetr**

**[4] .Research**

**[5] . Course**